

جمع آوری هوشمندانانه بازیافتی ها

یک روش آسان و برخط، بازیافت از مبدأ را در مشهد افزایش داده است



تکتم جاوید

t.javid@shahraranews.ir



کرونا، پایبندی به تدبیرهایی برای حفظ سلامتی و سپری کردن وقت بیشتر در خانه سبب شد تا سه‌ونیم برابر گذشته زباله تولید کنیم. بگذریم که پیش از شیوع کرونا هم سرانه تولید زباله ما ایرانی‌ها دو برابر متوسط جهانی بود و تفکیک زباله از مبدأ نیز همچنان در مسیر

هرمشهدی درروز۶۵گرم زباله تولیدمی‌کند

کلان شهر مشهد با جمعیتی بالغ بر ۳ میلیون و ۲۰۰ نفر، پس از تهران که روزانه ۸۰۰۰ تن زباله تولید می‌کند، بیشترین میزان تولید زباله را در کشور دارد. هم‌اکنون حجم تولید روزانه زباله‌هر شهروند مشهدی ۶۵۰ گرم در روز است که با وجود ممنوعیت تردد و رفت‌وآمد مسافران و زائران به دلیل خانه‌نشینی شهروندان، نه تنها نسبت به سال‌های گذشته، کاهش نی‌داشت، بلکه با همین روند تا پایان سال افزایش هم خواهد داشت. معاون خدمات شهری شهرداری مشهد اولین مسئول پاسخ‌گوی سوالات مادر باره میزان تولید زباله و شیوه دفع آن در مشهد است. مهدی یعقوبی می‌گوید: همچون گذشته در هر شبانه‌روز بیش از ۵۰ نفر از پاکبانان خدمات شهری، کار جمع آوری زباله‌های شهر مشهد را برعهده دارند.

او می‌گوید: با توسعه فرایندهای تفکیک مواد تجزیه‌پذیر و تجزیه‌ناپذیر در پسماند تولیدی شهر مشهد، تلاش می‌کنیم که میزان دفن زباله را به حداقل برسانیم و از آن سوء اسبب‌های وارنده به محیط زیست را کاهش دهیم. یعقوبی همچنین به بازیافت زباله هم نگاه ویژه‌ای دارد که به عقیده او از صرف هزینه‌های هنگفت برای تولید مجدد برخی محصولات پیشگیری می‌کند.

تولید این میزان از زباله به گفتن آسان است. در نظر

گیرید که در یک سال چه حجمی از زباله‌های متغفن و

آلوده‌کننده محیط زیست به شهر اضافه می‌شود. به همین

سبب معاونت خدمات شهری نیز با چالش‌هایی برای دفع

زباله روبه‌روست. یعقوبی دراین باره از این موارد نام می‌برد:

جمع آوری و تصفیه شیرابه‌های زباله در محل دفن،

مدیریت گازهای انتشار یافته در آن محل‌ها و روش دفن در

سلول‌های مهندسی بهداشتی.

او در توضیح رف این مشکلات می‌گوید: این سازمان با مدیریت در محل دفن با طرح «بازچرخش شیرابه» و نیز استحصال گاز و هدایت به نیروگاه بیوگاز سوز تولید برق و نیز پروژه لندفیل ۲۹ هکتاری مهمندسی بهداشتی در حل مسائل مربوط به دفع و دفن گام‌های مؤثری برداشته‌است.

مسئله زباله‌های بیمارستانی

یکی از معضلات جمع آوری و دفع زباله در شهر‌ها مسئله زباله‌های بیمارستانی است که براساس آمارها میزان تولید این پسماندها روزانه به طور میانگین به بیش از ۲۲تن می‌رسد. پرسش ما از معاون خدمات شهری درباره چگونگی جمع آوری و دفع آن‌ها به‌ویژه در ایام شیوع کرونا چنین پاسخی دارد: زباله‌های بیمارستانی در بیمارستان‌ها با دستگاه «توکلاو» می‌خطر می‌شوند. زباله‌های مطب‌ها و درمانگاه‌ها نیز از سوی دو شرکت خصوصی تحت نظارت علوم پزشکی مشهد جمع آوری و بی‌خطر سازی می‌شوند که تأییدیه این بی‌خطر سازی از سوی اداره کل زیست صادر می‌شود. پس از آن مسئولیت شهر داری نسبت به تحویل گرفتن زباله‌های بی‌خطر شده و انتقال و دفن آن به مراکز دفن ویژه این پسماندها آغاز می‌شود. این زباله‌ها در ترانه‌های محصور (فنس کشی شده) و مخصوص که بالا به «ژئوممبران» و «ژئوتکستایل» کف‌سازی شده‌است، دفن شده. سپس با لایه‌های آهک و خاک پوشش داده می‌شود. این تگرانی‌های شهروندان در روزهای کرونایی وجود ماسک‌های و هاشده در معابر شهر یا میان زباله‌هاست که

البته به گفته یعقوبی، ماسک‌ها جزو زباله‌های غیر قابل بازیافت هستند و همچون مواد آلی دفع می‌شوند. او درباره آمار تعداد فوت پاکبان‌ها در ایام کرونا و به‌دلیل تماس با زباله‌های آلوده اظهار بی‌اطلاعی می‌کند.

ادردصد زباله‌ها را بازیافت می‌کنیم

ابوالفضل کریمیان، مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد، مسئول دیگری است که درباره بخش مهمی از زباله یعنی بازیافت آن، مششول به کار است. او اجرای طرح محدودیت رفت‌وآمد در پی شیوع ویروس کرونا، خودداری از سفر به شهرهای دیگر و خانه‌نشینی مشهدی‌ها را علت افزایش تولید زباله در یک سال اخیر می‌داند.

اگرچه سال‌هاست فرهنگ سازی و لزوم تفکیک زباله از مبدأ و بازیافت در قالب برنامه‌ها و اطلاع‌رسانی از ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی آغاز شده، اما به گفته وی، فقط ۱۱ درصد زباله‌ها از مبدأ تفکیک می‌شود و «مدتی است روی رقم ۱۱ و ۱۰ باقی مانده‌ایم» در حالی که حدود دو برابر این رقم قابل بازیافت است.

این مسئول درباره وضعیت زباله‌های تولید شده عنوان می‌کند: بررسی‌ها نشان می‌دهد ۶۵ تا ۷۰ درصد زباله‌ها مواد آلی یا زباله تر و ۲۵ تا ۳۰ درصد زباله خشک هستند. از ۲۰ درصد نزدیک به ۱۰ درصد آن بازیافت‌شدنی نیست و از ۲۰ درصد باقی‌مانده اکنون ما ۱۱ درصد را بازیافت می‌کنیم که امیدواریم رشد فراینده‌ای داشته‌باش.

۱۱ درصد به روش‌های مختلفی همچون جمع آوری

با ۶۲ دستگاه خودرو در منازل، اصناف، ادارات و تحویل

شهروندان در ۴۴ ایستگاه میداله پسماند خشک در نقاط

مختلف شهر صورت می‌گیرد.

استقبال از روش هوشمندسازی تفکیک

در تکمیل روش‌های گذشته جمع آوری زباله و به برای افزایش آن آمار ۱۱ درصد، تصمیم‌های تازه‌ای گرفته شد، به‌طوری که نزدیک به دوماه است روش جدید هوشمندسازی با حضور دو شرکت در دست انجام می‌گیرد. به گفته کریمیان، استقبال از این طرح چشمگیر بوده است، به‌طوری که «سرانه جمع آوری زباله خشک خانوار‌ها به بیش از دو برابر افزایش یافته‌است» و به‌طور متوسط در هر درخواست حدود ۹ کیلوگرم زباله خشک دریافت می‌شود. «جمع آوری هوشمند پسماندهای بازیافتی، کاری شبیه تاکسی‌های اینترنتی است که شهروندان نرم‌افزار را روی گوشی نصب کرده و درخواست خود را به‌صورت آنلاین از طریق آن اعلام می‌کنند. ساعت بعد خودرویی به محل مراجعه کرده، زباله را وزن و کیف پول شهروند را شارژ می‌کند. این راحت‌ترین و در دسترس‌ترین روش برای شهروندانی است که امکان نگهداری حجم زیاد زباله خشک یا فرصت رساندن آن‌ها به ایستگاه‌ها را ندارند.

مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد اضافه می‌کند: هم‌اکنون دو شرکت «کو» و «په‌روب» با مجوز از سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد در همه مناطق شهر خدمت‌رسانی می‌کنند. روش نصب این نرم‌افزار‌ها مراجعه به سایت مدیریت پسماند به نشانی Wmo.mashhad.ir یا تکرار خواسته‌اش و تأکید پدر بر مقرر این روش‌های Google Play یا Apple Store است.

هرگز از پانيفتاده!

روایت زندگی ۲ فرد دچار ضایعه نخاعی که حادثه‌ای حرکت را از زندگی آن‌ها گرفت اما از حرکت بازماندند



الهام مهدیزاده

e.mahdizadeh@shahraranews.ir



در تعاریف پزشکی نام‌خلاصه‌ای دارد؛ «آسیب نخاعی» اما اثراتش در زندگی حسسی، حرکتی و اجتماعی انسان بسیار گسترده و پیچیده است. در بیشتر موارد سبب تغییرات دائمی در قدرت،

احساس و سایر ویژگی‌های قسمت تحت آسیب می‌شود و فرد آسیب‌دیده را به شدت از جامعه و مناسباتش دور می‌کند. تا چند ماه اول که معمولاً تمام عصب‌های حسسی از کار می‌افتند، انسان بدون هیچ حرکتی روی تخت می‌افتد. یک جنازه بی‌تحرک که چشم دوخته به سفیدی سقف، باید زمان بگذرد تا برخی از حس‌های فرد آسیب‌دیده بر گردد. به‌طور قطعی نمی‌توان گفت که فرد آسیب‌دیده بعد از این ضایعه، چه توانایی‌هایی دارد و چه توانایی‌هایی ندارد اما درباره یک چیز می‌توان مطمئن بود و آن اینکه حرکت معنای دیگری می‌یابد و آدم‌ها دیگر آدم‌های سابق نیستند

گفت‌وگوهایی که می‌خوانی‌سد در یکی از مراکز «مثبت زندگی» بهزیستی مشهد گرفته شده‌است.

۲۸ آذر سال ۸۲ روز وحدت حوزه و دانشگاه است. همه دانشجویان نخبه دانشگاه‌های سراسر استان برای هما یشتی به مشهد دعوت می‌شوند. زمان حرکت دانشجویان دانشگاه بجنورد ساعت ۷ صبح از مقابل دانشگاه است. هنوز یک ساعت از حرکت مینی‌بوس نگذشته که مینی‌بوس از مسیر منحرف می‌شود. در این تصادف، یک نفر همان لحظه تصادف، جان می‌دهد و

نور، صدا، بدون حرکت. همه روز‌هایی که بیمارستان بستری بودم و روز‌های بعد از آن فقط با همین دو حس گذشت. صدایی که می‌شنیدیم و تصاویری که می‌دیدم؛ بدون حرکت. یک سالی به همین روال گذشت و سراسر زندگی من روی همان تختی بود که رویش دراز کشیده بودم. شنیده‌ام که نخاع و رشته‌های عصبی طی سه دقیقه از دست می‌روند اما احیای آن سال‌ها زمان خواهد برد و در بعضی مواقع هم غیر ممکن خواهد بود. طبیعی است که بعد از این سه دقیقه، من دیگر آن من قبلی نبودم. خیلی از حس‌هایم را از دست دادم؛ حس چشایی و بویایی و تحرکی هم نداشتیم.

وقتی موز و شلغم یک‌مزه دارند!

ماه‌ها طول کشید تا بعضی از حس‌هایم برگشت مثل حس چشایی. بعضی از توانایی‌ها هم البته برگشت مثل تحرک. بعضی هم نیمه برگشتند مثل توانایی نفس کشیدن. این‌طور است که امروز درک می‌کنم بدون درد و آرام نفس کشیدن چه لذتی دارد. یا وقتی راه می‌روی، می‌فهمم که برداشتن یک قدم جقدر پیچیده است. می‌دانم برای هر قدم چه تعداد ماهیچه و عضله باید با رشته‌های عصبی هماهنگ شوند.

یک چیزهایی هم بعد از این اتفاق برای من جزو بهترین لذت‌های دنیاشدند. لذت طعم

غذاهای خوشمزه... به‌یبه... اصلاً نمی‌دانید چه لذتی دارد! بعد از تصادف تا مدت‌ها دست‌هایم رمق گرفتن قاشق را نداشت. ماه‌ها پشت سر هم می‌گذشت. من بودم و تختی که روی آن دراز کشیده بودم. با آن سفکی که همه روز و شب‌هایم به سفیدی‌اش دوخته می‌شد. من حتی برای غذا خوردن مشکل داشتم و باید کمکم می‌کردند. آن زمان خنمی برای کمک به خانه ما می‌آمد. آن روز طبق عادت همیشه غذای من را آورد و داد. اما چشمتان روز بد نبیند. بعد از چند ساعت حالم دگرگون شد و گلاب به روی تان... بعد از اینکه حالم دگرگون شد، خانواده سراغ غذایی که خوردم رفتند. غذای که خورده بودم خراب بود اما من مزه‌اش را نفهمیده بودم؛ یعنی مزه‌ای نمی‌فهمیدم. حس عجیبی است؛ موز بخوری یا شلغم، فرقی ندارد.

غذا خوردن گاهی اشک آور بود. گاهی زجر آور. بشقاب غذا مال من بود اما دست دیگری... برای هر لقمه‌ای که می‌خواستم بخورم باید کلی توضیحات می‌دادم. مثلاً ماست می‌خواهم یا نه؛ خورش تکه باشد یا زیاد؛ آب بدهند یا نه. خنده‌دار لحظه‌هایی بود که یک قاشق را تا جای ممکن پر می‌کردند و توی دهانم می‌گذاشتند، جوری که تا مرز خفگی می‌رفتم. با سرفه‌های من، وضعیت غذای روی قاشق در وعده بعد، فرق می‌کرد.

آسیبه دهه هفتادی است. آسیبه وقتی هجده‌ساله بوده تصمیمی از سر عشق و احساس می‌گیرد. تصمیمی که به قیمت شمشیر شدن مهره کمر و ضایعه نخاعی تمام می‌شود. آسیبه همان زمانی که مدرسه می‌رود، با جوانی آشنا می‌شود. آن‌ها بعد از مدتی تصمیم به ازدواج می‌گیرند اما خانواده آسیبه با این تصمیم مخالف‌اند. اصرار‌های آسیبه کار ساز نیست. ۲۰ بهمن ۹۱ بعد از تکرار خواسته‌اش و تأکید پدر بر مخالفت رو به خانواده می‌گوید: «خودم رو می‌کنشم». هیچ‌کس آن لحظه

بود، فهمیدم دنیا هنوز تمام نشده است.

به پای عشق نماد

نزدیک یک سال روی تخت بودم. برای هر کاری که انجام می‌دادم، چند نفر باید کمکم می‌کردند. یک جا که بی‌حرکت باشی، مغز فعال‌تر می‌شود. «فعال» که چه عرض کنم، «بیش فعال» می‌شود! آن روز‌ها چشم‌هایم مات سقف بود و مغز منگ‌از سرنوشتی که نمی‌توانست قبول کند. گاهی مغز خودم را بازخواست می‌کرد که چرا این‌طوری شد؛ گاهی هم گذشته و روز‌هایی که با عماد قرار و مدار زندگی می‌گذاشتیم، مثل یک فیلم از جلو چشم‌هایم می‌گذشت. مرور خاطرات و قرار‌هایی که می‌گذاشتیم تا ماه‌ها مثل خوره به جانم افتاده بود و از یادم نمی‌رفت.

چه قرار‌هایی گذاشته بودیم. قرار بود من و عماد در خیابان زیر باران قدم بزنیم، با هم به کوه برویم، با هم بخندیم. من عاشق بودم، عاشق او. عاشق باران. عاشق دیدن میان باران با عماد. می‌خواستیم به پای هم

۱۱ دانشجو مجروح می‌شوند. در میان این دانشجویان، نساء خوش نیت با شکستگی‌های متعدد جمجمه و لختگی خون در سر، شکستگی میچ پا، لگن و دست، بیشترین آسیب را می‌بیند. او با فوریت به بیمارستان امداد مشهد منتقل می‌شود. با این حال به دلیل شدت شکستگی مهره کمر دچار ضایعه نخاعی می‌شود. در این قرار مان با نساء خوش نیت در مرکز مثبت زندگی

دیگر من قبلی نبودم

موزاییک‌ها و سنگ فرش‌های خیابان. چه صدای خوبی دارد. صدایی که تا قبل از ازدست‌دادن پاهایم می‌شنیدم اما جذاب نبود. وقتی توانستم بدون کمک دیگران و بالش بنشینم، چندباری خودم را با هر بدبختی و سختی کشان کشان به ویلچر رساندم تا سراغ کمد لباس‌ها و جاکفتی بروم. در کمد را باز می‌کردم و به لباس‌ها و کفش‌هایم زل می‌زدم. تا قبل از تصادف وسواسی بودم. هریار قرار بود جایی مهمان باشیم، چندبار لباس‌ها و کفش‌ها را کنار هم می‌گذاشتم که ببینم چطوری است. گاهی عقب می‌رفتم تا به قول آن‌هایی که

اهل مد هستند، ببینم بیت هستند یا نه؟ من از این‌ها فتم بعد از تصادف، زندگی روی دیگرش را نشان داد. زندگی چیزهایی از من گرفت اما من از پا نیفتادم. بعد از تصادف روی همان تختی که ماه‌ها روی آن دراز کشیدم لیسانس گرفتم و سال‌های بعد ارشد خواندم. سال ۹۴ بود که تصمیم گرفتم انجمن ضایعه نخاعی‌های استان را برپا کنم؛ انجمنی برای همه آدم‌هایی که با پاهایشان از قدم افتاده‌است اما از پا نیفتاده‌اند. من الان عضو انجمن ضایعه نخاعی‌های استان و عضو هیئت مدیره شبکه ملی سازمان‌های مردم‌نهاد معلولان کشور هستم، کسی که همچنان به معلمی عشق دارد و درس می‌دهد.

حمایت بهزیستی

محدود است

با روابط عمومی بهزیستی استان برای گفت‌وگو درباره مشکلات معلولان ضایعه نخاعی هماهنگ شد. مقرر شد با هماهنگی دفتر معاونت بهداشتی، گفت‌وویی با مسعود فیروزی گرفته شود اما این مسئول پاسخ گو نبود و در پی تماس‌های مکرر اعلام کرد: «برای گرفتن آمار بیماران به کارشناس بهزیستی رنگ برنید، نه معاون. البته این اجازه را می‌دهم که آمار کارشناس را به اسم من درج کنید!» از رفتار عجیب و نگاه بالا به پایین معاون توان بخشی بهزیستی استان که بگذریم، پیش‌تر به نقل از کارشناس امور معلولان بهزیستی خراسان رضوی اعلام شده بود که ۱۷۸۶ معلول ضایعه نخاعی زیر پوشش بهزیستی خراسان رضوی هستند و اینکه این گروه از معلولان در مقایسه با دیگر معلولان، مشکلات بیشتری دارند و همین مسئله توجه به آنان را بیش از پیش می‌طلبد. برای گروه‌های سه‌گانه معلولان گردنی، سینه‌ای و کمری استان، ماهانه به ترتیب ۹۰، ۱۰۰ و ۸۰ هزار تومان به عنوان کمک‌هزینه پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر این تنها حمایت بهزیستی از معلولان ضایعه نخاعی است. نکته شایان توجه درباره معلولان استان این است که تعداد ۷۴۴ نفرشان بر اثر تصادف رانندگی دچار این معلولیت شده‌اند. در مقایسه‌ای کلان حدود ۲۷ هزار معلول ضایعه نخاعی در کشور داریم و سالانه حدود ۲ هزار نفر نیز بر اثر تصادفات و حوادث دچار ضایعات نخاعی شده‌اند و به این آمار اضافه می‌شوند.